

### متن پرسش

□ وقتی موعد اعدام سقراط رسید، زنش را دید که داشت گریه می‌کرد، نزدیکش شد و پرسید: «چه چیزی باعث گریه ات شده عزیزم؟» زن در حالی که گریه می‌کرد گفت: «ظالمانه کشته خواهی شد.» سقراط گفت: «یعنی اگر عادلانه کشته می‌شدم گریه نمی‌کردی؟!» زن گفت: «منظورم اینست که بیگناه کشته می‌شوی!» سقراط گفت: «یعنی دوست داشتی گناهکار باشم؟!» زن خود را از آغوش او رها کرد و گفت: «الهی زیر گل بری سقراط که موقع مردن هم دست از فلسفه و منطق بر نمی‌داری!!»

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: آری! بازی‌های زبان، خودِ عالمی دارد و به همین جهت زبان‌ها ظرفیت ظهور همه احوالات را ندارند. موفق باشید